

فصلنامه علمی و پژوهشی «بررسی‌های حسابداری»

سال اول، شماره چهارم، تابستان ۱۳۷۲

ص ص ۴۹-۳۱

نظامهای حسابداری و توسعه اقتصادی

دکتر محسن شریفی

(دانشگاه میشیگان غربی)

چکیده

یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، استفاده از نظامهای حسابداری به عنوان نظامی انفورماتیک می‌باشد. ایجاد این نظامها قدم مثبتی در راه توسعه اقتصادی این کشورها است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری و مالی به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول، از تصمیم‌گیرندگان، سرمایه‌گذاران داخلی، مدیران، طلبکاران، دستگاه‌های دولتی و کارکنان هر سازمان می‌باشند. گروه دوم سرمایه‌گذاران خارجی هستند که از اطلاعات حسابداری به منظور ارزشیابی و بررسی فرصتهای سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف استفاده می‌کنند. حسابداران از جمله متخصصینی هستند که باید کوشش کنند تا نظامهای انفورماتیک بتواند نیازهای اشخاص ذی نفع در نظامهای اقتصادی را فراهم نماید. لذا لازم است که نقش حسابداران در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه با توجه به منابع محدودی که برای آموزش افراد متخصص در نظر گرفته می‌شود مورد بررسی قرار گیرد.

در این مقاله پس از بررسی تاریخچه حرفه حسابداری در ایران و با توجه به ساخت اقتصادی اجتماعی این کشور پیشنهاد می‌شود که سازمان مستقلی با کمک بخش خصوصی و

بخش دولتی تأسیس گردد. نقش اساسی این سازمان احیاء حسابداری در ایران خواهد بود. از جمله وظایف این سازمان تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی و اشاعه آن از طریق نظام آموزشی کشور می‌باشد.

توسعه اقتصادی و تقویت نظامهای مالی و حسابداری

توسعه اقتصادی معمولاً پی‌آمدهای مثبتی با خود به‌مراه می‌آورد. از جمله این پیامدها افزایش سطح زندگی افراد جامعه، ترویج نظارت بین‌المللی، ایجاد ارتباط اقتصادی بین کشورهای مختلف و افزایش ظرفیت تولیدی کشورهایی که دارای برتری نسبی هستند، می‌باشد. از طرف دیگر، فقدان منابع طبیعی، موجود نبودن نیروی انسانی متخصص مورد نیاز از قبیل مدیران، کارگران ماهر، عدم ثبات سیاسی، وجود بازار انحصاری و نظامهای مالی اطلاعاتی غیرقابل اطمینان، از جمله عواملی است که سبب از هم پاشیدگی وضع اقتصادی و یا توقف توسعه اقتصادی می‌شود.

در این مقاله سعی شده که نقش آموزش در جوامع در حال توسعه و همچنین نقش نظامهای اطلاعاتی مدیریت (انفورماتیک)، بخصوص نظامهای اطلاعاتی مالی و حسابداری در توسعه اقتصادی این کشورها بررسی شده و با توجه به مسائلی که در راه‌اندازی و پیش بردن این نظامها وجود دارد به منظور تربیت افراد متخصص برای راه‌اندازی و اداره این نظامها پیشنهاداتی ارائه شود.

آموزش در کشورهای در حال توسعه

آموزش در اکثر کشورها با مشکل تخصیص منابع مواجه می‌باشد. معذالک با نگرش بازرگانی و با توجه به منابعی که به آن اختصاص داده می‌شود، آموزش دارای بالاترین بازده می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه که کمبود منابع به وضوح مشهود است، عمده منابع صرف طرحهای چشمگیر شده و مسائل زیربنایی مانند آموزش و شرایط محیط زیست از ارجحیت کافی برخوردار نیستند. در این نوع کشورها، آموزش به عنوان یک عنصر ثانویه به حساب آمده و به عنوان یکی از عوامل پیشرفت مطرح نیست.

آموزشهای تخصصی مانند مهندسی و بازرگانی که بطور روزمره با تغییرات تکنولوژی مواجه هستند، بیشترین صدمات را در اثر کمبود منابع متحمل می‌شوند. در رشته‌های بازرگانی، بخصوص حسابداری، این کمبودها به صورت کتب و مطالب درسی قدیمی، تسهیلات ناکافی، کمبود کادر علمی تمام وقت، نبودن تحقیقات، مشهود نبودن روح حرفه‌ای در پاره‌ای از معلمین و سایر مسائل جنبی دیگر بچشم می‌خورد.

سرمایه هر ملت با توجه به نظر آدام اسمیت مرکب از «توانائی مفید و مکتسبه کلیه ساکنین و اعضاء اجتماع» آن است.^۱ این نوع سرمایه که عموماً به سرمایه انسانی تعبیر شده در دهه‌های ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰ توجه بسیاری از محققین اقتصادی را به خود جلب کرده است. لذا متون اقتصاد مملو از تحقیقاتی است که مبنای آنها را تئوری‌های سرمایه انسانی تشکیل می‌دهند. بر مبنای آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده، پاره‌ای از محققین تأیید کرده‌اند که سرمایه‌گذاری بر روی آموزش ساکنین یک جامعه، نقش مهمی در بالابردن کارائی و توسعه اقتصادی آن جامعه دارد.^۲ تحقیقات بعدی آموزش را به عنوان یک تئوری توزیع درآمد شناخته و تفاوت بین درآمد افراد در گروه‌های مختلف کاری را مورد بررسی قرار می‌دهند. با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و کاربرد نظریه‌های فوق، نرخ بازده سرمایه‌گذاری بر روی رده‌های مختلف آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیقات نرخ بازده تحصیلات ابتدائی ۲۴ درصد، تحصیلات متوسطه ۱۵ درصد و تحصیلات عالی ۱۲ درصد تخمین زده شده است.^۳

همبستگی قابل ملاحظه بین آموزش و رابطه آن با توسعه اقتصادی بیانگر این است که کشورهایی که منابع محدودی صرف آموزش می‌کنند در حقیقت قدمی در راه توسعه اقتصادی

1- Smith, Adam, *The Wealth of Nations*, 1776 Book II, Chapter 1.

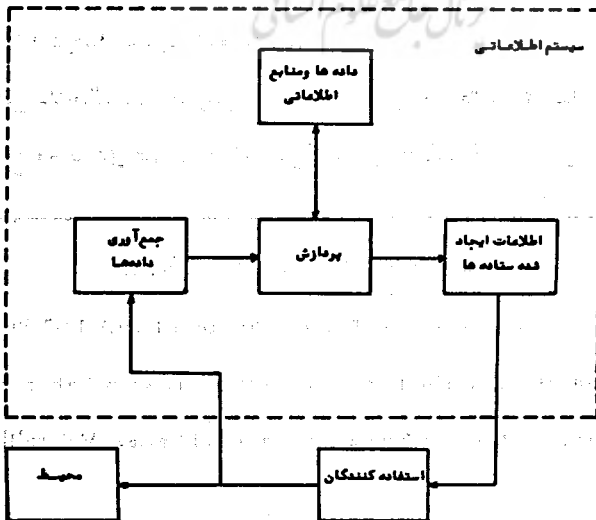
2- Reynolds, Lloyd G., et. l. *Economics of Labor*, (Printice-Hall Inc.), 1987, PP 78-97.

3- Ali, M. Shaukat, "Contribution of Education Toward Labor Productivity: A Cross-Country study," *Pakistan Economic and social Review*, Vol. xxIII, Summer 1988, PP. 42-43.

بر نمی‌دارند. علت این امر اثر مستقیم کارآئی سرمایه انسانی بر روی سرمایه فیزیکی می‌باشد. برای مثال ارائه تکنیکهای پیشرفته در یک بخش اقتصادی در صورتی که ساکنین این کشورها از تحصیلات لازم برخوردار نباشند، منجر به توسعه اقتصادی نخواهد شد. از طرف دیگر کم بها دادن به نظام آموزشی ممکن است کلیه تلاشهایی که برای توسعه لازم است را خنثی نماید. این امر به سهم خود باعث هدر رفتن منابع اقتصادی و طولانی شدن زمان رکود کشورهای در حال توسعه خواهد شد.

یکی از اثرات نامساعد این گونه سیاستها در کشورهایی که اهداف صنعتی شدن را پی‌گیری می‌کنند، بی‌میلی سرمایه‌گذاران خارجی به سرمایه‌گذاری در آن کشور به دلیل نبودن نیروی انسانی با تجربه می‌باشد. چه سرمایه‌گذاران خارجی علاوه بر سود و بازده سرمایه به نیروی انسانی با تجربه به عنوان یک مسأله اساسی نگاه می‌کنند.

نقش نظامهای انفورماتیک مالی
فعالیتهایی که مربوط به جمع‌آوری، پردازش، نگهداری و گزارش کردن اطلاعات مربوط به یک سازمان هستند معمولاً نظام اطلاعاتی (انفورماتیک) نامیده می‌شوند. این فعالیتها گرچه ممکن است بصورت پراکنده انجام شوند معذالک جزء سیستم جامع اطلاعاتی یک سازمان که دارای هدف و منابع مشخصی می‌باشند به حساب می‌آیند. نظامهای اطلاعاتی معمولاً دارای مشخصات مشابهی هستند که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

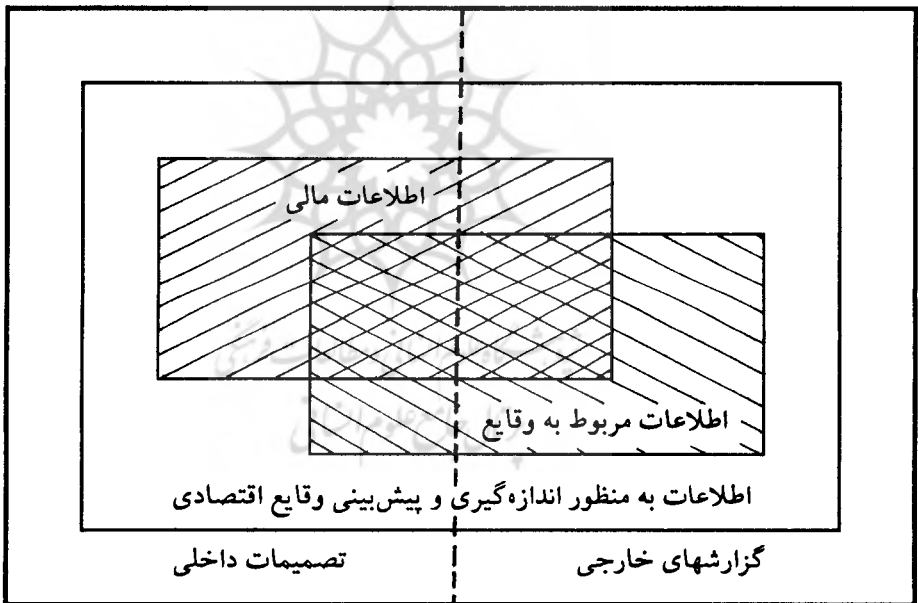


شکل شماره ۱ - مشخصات نظامهای اطلاعاتی (انفورماتیک)

نظامهای انفورماتیک مالی که دارای اهداف و منابع مشخص به خود می‌باشند، به عنوان بخشی از نظام انفورماتیک یک سازمان تلقی می‌شوند. در این رابطه نظام مالی معمولاً با مسائل اندازه‌گیری، تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی درآمد، ثروت و سایر وقایع اقتصادی یک واحد انتفاعی سروکار دارد.^۴ برداشت محدودتری از تعریف فوق فقط شامل اطلاعات مالی خاص و پردازش وقایع بازرگانی می‌شود.^۵ که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

بدون توجه به تعاریف فوق، حدود نظامهای سنتی حسابداری چنان گسترش یافته که علاوه بر وقایع پولی وقایع غیرپولی و کیفی را نیز دربر می‌گیرند.

شکل شماره ۲ - نظام پردازش وقایع بازرگانی



4- "Report of the Committee on Accounting and Information Systems", The Accounting Review Supplement, PP. 289-290.

5- Leitch, Robert A., K. Roscoe Davis, **Accounting Information Systems**, Second Edition, (Printice-Hall Inc.), 1992.

استفاده‌کنندگان از نظام مالی

استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری در کشورهای در حال توسعه به دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گروه اول تصمیم‌گیرندگان داخلی هستند. نیاز اصلی این گروه دسترسی به اطلاعات مالی قابل اطمینان بمنظور تخصیص منابع اقتصادی می‌باشد. این گروه شامل صاحبان شرکتهای صنعتی و تجاری، بانکها و سایر طلبکاران و دستگاه‌های دولتی هستند که مسؤول جمع‌آوری مالیات و نظارت بر سایر مسائل مالی این شرکتهای می‌باشند. سایر گروه‌های ذی‌نفع، مانند کارکنان این سازمانها و شهروندانی که به مسائل اجتماعی توجه دارند جزء این گروه به حساب می‌آیند. در دسترس بودن اطلاعات قابل اطمینان برای افراد فوق موجبات تعادل اقتصادی و توزیع صحیح منابع را فراهم خواهد ساخت.

گروه دوم تصمیم‌گیرندگان خارجی هستند که با استفاده از اطلاعات قابل اطمینان حسابداری فرصتهای سرمایه‌گذاری را در کشورهای دیگر ارزیابی می‌کنند. فرصتهای سرمایه‌گذاری بر مبنای شاخصهائی که از قبل تهیه و متکی به هدفهای معینی می‌باشد تجزیه و تحلیل و بررسی شده و نتیجه نهائی بصورت تصمیم به سرمایه‌گذاری و ایجاد فعالیت و یا خودداری از سرمایه‌گذاری تجلی خواهد کرد.

سرمایه‌گذاران خارجی تنها به معیارهای متعارف مانند ارزیابی خطر (Risk)، بازده سرمایه، معافیت‌های محاسباتی (The Holidays) و غیره توجه نمی‌کنند. به همان نسبت که این ضرایب مورد توجه آنهاست، سطح آموزشی کشور مهمان را، بخصوص هنگامی که ورود تکنولوژی پیشرفته مطرح است، نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این مسأله حتی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی بین کشورهای پیشرفته نیز مطرح می‌شود. برای مثال پاره‌ای از ایالات آمریکا به منظور جلب سرمایه‌گذاران ژاپنی مجبور شده‌اند که نظام آموزشی خود را از پایه دگرگون کرده و شرایط مناسب برای این صنایع جدید را فراهم آورند.

نقش حسابداران

در کشورهای در حال توسعه، توجه به حسابداری باید به عنوان عامل توسعه بخشی از زیربنای لازم برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی تلقی شود. بدون توجه به این عامل

کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به توسعه اقتصادی بهای سنگینی را خواهند پرداخت.^۶

ایجاد نظامهای انفورماتیک بخصوص نظامهای مالی از جمله وظایف حسابداران می‌باشد. در حالی که در گذشته رقابتهایی بین متخصصین پژوهش عملیاتی، علوم کامپیوتری و حسابداران وجود داشته، به نظر می‌رسد که مقدار قابل ملاحظه‌ای از اطلاعاتی که در مؤسسات ایجاد و مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گیرد، دارای اساس مالی می‌باشد. این خصیصه در کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌خورد. زیرا دانش مدیریت و نظامهای انفورماتیک آنقدر جامع نیستند که بتوانند از اطلاعات غیرمالی در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده نمایند. در بسیاری از موارد مدیران در کشورهای در حال توسعه فقط در صورت الزام و تکلیف به سیستم اطلاعاتی توجه می‌کنند.^۷

بنظر می‌رسد که حسابداران بنا بر اقتضای حرفه و تجربه خود بهتر بتوانند نقش رهبری در ایجاد نظامهای انفورماتیک مالی و غیرمالی را که لازمه شرایط توسعه اقتصادی می‌باشد به عهده بگیرند. بدین جهت لازم است که بررسی مسائلی که در این زمینه برای حسابداران وجود دارد از ارجحیت خاص برخوردار گردد.

در قسمتهای بعدی این مقاله نقش حسابداری در ایران مورد بررسی قرار گرفته و پس از بررسی کمبودها راه‌حلهایی برای رفع این کمبودها ارائه خواهد شد.

گذشته حسابداری در ایران

حسابداری نوین حدود نیم قرن پیش در ایران پایه‌گذاری شده است. در ابتدا سازمانهایی مانند شرکت سابق نفت انگلیس، بانک شاهی، بانک ملی و برخی دیگر از مؤسسات خارجی

۶- شلیله، محمد «حسابداری استانداردهای ملی و توسعه اقتصادی»، حسابداری، شماره ۹ هم و دهم - مرداد و شهریور ۱۳۶۹، صص ۷۷-۷۶.

۷- فخاریان، ابوالقاسم «نگاهی به سیستم اطلاعاتی حسابداری: مدیران و حسابداران»، تدبیر، شماره ۲۱ - اردیبهشت ۱۳۷۱، صص ۲۶-۲۵.

در بین معدود مؤسساتی بوده‌اند که از حسابداری به عنوان یک نظام انفورماتیک استفاده می‌کردند. معذالک دامنه علمی حسابداری تا زمان مراجعت فارغ‌التحصیلان دوره حسابداری از کشور انگلستان وسعت پیدا نکرد. اولین گروه این دانشجویان در سال ۱۳۱۵ توسط بانک ملی به انگلستان اعزام شدند. هفت نفر از آنها پس از فارغ‌التحصیلی بین سالهای ۲۵-۱۳۲۳ به ایران مراجعت کرده و هر یک به سهم خود منشاء خدمات قابل ملاحظه‌ای در زمینه اشاعه حسابداری نوین شدند.

در سال ۱۳۲۸ وزارت دارائی برای اولین بار تصمیم گرفت که از خدمات محاسبین قسم خورده بمنظور تعیین درآمد مؤدیان مالیاتی استفاده نماید. با وجود آنکه این کوششها با ناکامی روبرو شدند، در سال ۱۳۴۰ مجدداً ایجاد انجمن حسابداران قسم خورده توسط وزارت دارائی عنوان شد. این اقدام نیز به سبب عدم تدوین آئین‌نامه و اساسنامه اجرائی لازم به نتیجه نرسید. در سال ۱۳۴۵ بموجب ماده ۲۷۵ قانون مالیات بر درآمد، ایجاد کانون حسابداران رسمی و استفاده از خدمات حسابداران رسمی به منظور تشخیص درآمد مشمول مالیات پیش‌بینی شد. بازوی اجرائی این قانون کانون حسابداران رسمی ایران بود. شورای این کانون از وزیر دارائی (رئیس شورا)، خزانه‌دار کل (زیر نظر وزیر دارائی)، رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن و رئیس هیأت مدیره کانون و سه نفر حسابدار متخصص به تشخیص وزیر دارائی تشکیل می‌شد.^۸

از آنجائی که وظیفه اصلی حسابداران رسمی (اعضای کانون) تشخیص درآمد مشمول مالیات بوده است، استقلال حرفه‌ای کانون با توجه به بافت شورای عالی آن همواره زیر سؤال قرار داشته است. از جمله آنکه سرمیزین مالیاتی می‌توانستند گزارش حسابداران رسمی را در مورد تشخیص مالیات بر درآمد مؤدیان طبق قانون مردود دانسته و خود رأساً اقدام به بررسی و حسابرسی نمایند. بدلیل نداشتن استقلال واقعی و دخالت‌های غیرموجه برخی از مسئولین وزارت دارائی و ایجاد چند دستگی در نحوه اداره کانون و برخی از مسائل متأثر از

۸- برای مراجعه به جزئیات مراجعه شود به سجادی‌نژاد، حسن «حرفه حسابداری در

اینگونه امور، مآلاً کانون در دوران بعد از انقلاب منحل اعلام گردید.

پس از چندی پاره‌ای از حسابداران که با استقلال حساب‌رسان و حسابداران و نقش استقلال حرفه‌ای در توسعه اقتصادی آشنائی داشتند اقدام به ایجاد انجمن حسابداران خبره ایران کردند. این انجمن با کوششهای مستمر خود به موفقیت‌هایی در جهت همبستگی حرفه‌ای و انتشار مطالب آموزشی دست یافته است.

این خلاصه‌ای بسیار کوتاه و گذرا از تکامل حرفه حسابداری در ایران بود. معیناً یکی از نارسائی‌های اساسی حرفه حسابداری فقدان ضوابط جامع حرفه‌ای بمنظور ایجاد اطلاعات مربوط (Relevant) حسابداری و راه‌های رسیدگی به این اطلاعات با توجه به ضوابط بوده است.^۹

به نظر می‌رسد که پیشرفتهائی که در زمینه اشاعه و آموزش حسابداری و درک مفهوم وظایف حسابداران در سنوات بعد از انقلاب حاصل شده بمراتب بیشتر از پیشرفتهائی است که در ۴۰ سال قبل از انقلاب بدست آمده است.

جا افتادن اصول و ضوابط حسابداری

چون حسابداری رشته‌ای است که با اندازه‌گیری و گزارش کردن اطلاعات اقتصادی سر و کار دارد، اگر مقیاس اندازه‌گیری و نحوه پردازش و گزارشگری این اطلاعات از قبل مشخص نشود، موجبات اختلال در گزارشگری فراهم خواهد آمد. لازم به ذکر است که کیفیت تصمیمات اقتصادی نمی‌تواند بهتر از کیفیت اطلاعاتی که برای اخذ این تصمیمات بکار رفته باشد. بنابراین تصمیمات مبتنی بر اطلاعات غیر کامل و ناصحیح اثرات نامطلوبی در سطوح خرد و کلان اقتصادی بیار خواهد آورد.

۹- مؤسسات حسابرسی ایرانی معمولاً از استانداردهای حسابرسی که از کشورهای غربی اقتباس شده استفاده می‌کنند. یکی از این استانداردها حسابرسی را ملزم می‌نماید که تأئیدی‌های مبنی بر اینکه صورتهای مالی بر طبق اصول و ضوابط حسابداری تهیه شده ارائه نماید. سؤالی که باید در اینجا مطرح شود: «کدام ضوابط؟»

به دنبال مراجعت فارغ‌التحصیلان خارج بین سالهای ۲۵-۱۳۲۳ دو طرح همواره مطرح بوده است:

- ۱- ایجاد وسائل آموزش برای تربیت حسابداران به طرز علمی و پیشرفته.
 - ۲- طرح ایجاد سازمانی برای رسیدگی به حساب مؤدیان مالیاتی.^{۱۰}
- هدفهای فوق بنیادی و هنوز معتبر هستند. ولی متأسفانه در آن هنگام، از ایجاد ضوابط و دستورالعملهایی که برای جمع‌آوری، پردازش و گزارشگری اطلاعات لازم است به عنوان هدف ذکری نشده است. معذالک برای رسیدن به این هدف، عوامل و اقدامات زیر در جهت جافتادن اصول و ضوابط حسابداری در ایران مؤثر بوده‌اند:

- ۱- اشاعه حسابداری نوین توسط فارغ‌التحصیلان خارج
- ۲- تهیه برخی از کتب و مواد درسی در سه دهه اخیر
- ۳- آئین‌نامه‌ها و قوانین مالی و دولتی
- ۴- توجه بانکهای تخصصی در هنگام بررسی صورتهای مالی شرکتهای بزرگ صنعتی و کشاورزی

۵- کوششهای مؤسسات حسابرسی دولتی و خصوصی

فقدان اصول و ضوابط حسابداری را می‌توان سرمنشاء مشکلات مالی قبل از انقلاب به حساب آورد. برای مثال اگر روش واحدی برای اندازه‌گیری و ثبت درآمد و هزینه‌های مؤسسات وجود نداشته باشد، تعیین سود این مؤسسات به ترتیب معقول و مقایسه آن با سازمانهای دیگر و یا با خود سازمان در طول زمان، امکان‌پذیر نخواهد بود.

یکی از اقدامات مهم بعد از انقلاب ایجاد مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه بوده است. اگر چه هدف اصلی مؤسسه حسابرسی مزبور، رسیدگی به حساب مؤسسات ملی شده بود، اقداماتی که در زمینه تدوین اصول و ضوابط فنی و یکنواخت کردن روشهای گزارشگری از طرف این مؤسسه انجام شد، روند جدیدی را در این زمینه در ایران آغاز نمود. در پی کوششهای این مؤسسه، سازمانهای دیگری مانند انجمن حسابداران خبره ایران و

سازمان حسابرسی کشور به پیشرفتهائی نائل آمده‌اند. در قسمت بعد این مقاله عواملی را که باعث جلوگیری از پیشرفت حرفه حسابداری در ایران بوده و در نتیجه باعث کند شدن توسعه اقتصادی گردیده، ذکر خواهد شد.

تأثیر عوامل مختلف بر روی حرفه حسابداری در ایران

نقش حسابداران در توسعه اقتصادی قبلاً ذکر گردیده است. در این قسمت به عوامل دیگری که به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند و یا به صورت عامل منفی و ترمز کننده وجود دارد اشاره می‌شود تا بتوان با تقویت یکی و محدود نمودن دیگری راه را برای توسعه اقتصادی هموار نمود.

ده عامل زیر بعنوان مهمترین عوامل بازدارنده در پیشرفت حسابداری در ایران مورد نظر

قرار گرفته:

- ۱- فقدان استانداردهای حسابداری
- ۲- عدم توجه عموم به نقش حسابداران
- ۳- عدم کنترل بر روی فعالیت حسابداران
- ۴- به کار نگرفتن اطلاعات مالی بوسیله مدیران و صاحبان مؤسسات بازرگانی و صنعتی
- ۵- کم بها دادن به حرفه حسابداری
- ۶- عدم فعالیت انجمنهای حسابداری
- ۷- تسلط کلی و عمومی بخش دولتی
- ۸- عدم رقابت بین مؤسسات بازرگانی
- ۹- پائین بودن سطح و حجم انتشارات حسابداری
- ۱۰- اقتصاد نامتعادل^{۱۱}

11- Novin, Adel M., Ali Saghafi, "Accounting Profession in Iran: Probl and Remedial Strategies", *The Proceedings of the Internation Academy of Business Disciplines*, Washington D. C., 1992.

با اندکی مذاقه به این سؤال برمی‌خوریم که آیا عوامل فوق علت‌های اصلی هستند و یا آنکه خود معلول علت‌های دیگری می‌باشند. آیا «اقتصاد نامتعادل» باعث «به کار نگرفتن اطلاعاتی مالی ...» می‌شود و یا «عدم توجه به نقش حسابداری» باعث «اقتصاد نامتعادل». آنچه واضح است، نارسائی‌های ذاتی نظام اقتصادی کشورهای در حال رشد بر روی کلیه ارکان این نظام، که حسابداری جزئی از آن می‌باشد، اثر خواهد گذاشت.

ایجاد سازمان مسؤول به منظور سروسامان دادن به امور حسابداری

در قسمتهای دیگر این مقاله آمده است که کوششهای بسیاری در جهت بهبود بخشیدن به نابسامانی نظامهای مالی بعمل آمده است. عمده این کوششها توسط دستگاه‌هایی مانند بانک ملی، بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارائی، دفتر حسابرسی سازمان برنامه، شرکت حسابرسی وزارت دارائی و مؤسسات حسابرسی داخلی و خارجی بعمل آمده است. معینا به سبب مشخص نبودن اهداف نظامهای اطلاعاتی و ناهماهنگ بودن و غیرمتمرکز بودن این کوششها نتایج چشمگیر و یا حداقل دلخواهی حاصل نشده است.

یکی از اشکالات عمده در این راه به رسمیت نشناختن حرفه حسابداری و استقلال حرفه‌ای حسابداران توسط ارکان مختلف دولتی است. در حالی که لازم است نظام مدونی ایجاد گردد که با استفاده از تخصص و مشخص کردن حیطه مسؤولیت حسابداران بتوان به بی‌نظمی‌های مالی سر و سامانی داد.

به این ترتیب ایجاد یک سازمان واحد و بی‌طرف که کلیه این روابط و ضوابط را شناسائی و حدود آن را تعیین نماید از واجبات به حساب می‌آید. عده‌ای از حسابداران که با شکل غربی این سازمانها آشنائی دارند معتقدند که این سازمان باید توسط بخش خصوصی (متخصص) ایجاد شده و پس از ایجاد، ضوابط و اصول فنی برای به اجرا درآوردن و حفظ آن، یک سری اصول و مقررات اخلاق حرفه‌ای ایجاد نماید. در حالی که گروه دیگری که با پاره‌ای از نابسامانی‌های مالی کشورهای غربی آشنائی دارند معتقدند که نظارت دولت در تدوین و حفظ این اصول فنی و حرفه‌ای ضروری می‌باشد.

ایجاد این سازمان به هر یک از دو روش فوق دارای مزایا و معایب بسیاری است. از

جمله مزایای شکل گرفتن آن به صورت خصوصی، قابلیت انعطاف آن و از مزایای شکل دولتی آن، داشتن اختیارات بیشتر است. از معایب خصوصی بودن آن خودمختاری در مقابل دولت و از معایب دولتی بودن آن غالب شدن اهداف سیاسی به اهداف اقتصادی و تخصصی می‌باشد.

با توجه به مراتب فوق‌الگوی پیشنهادی در این مقاله فرم دولتی - خصوصی آن می‌باشد. به این ترتیب که سازمان با کمک بخش دولتی و بخش خصوصی ایجاد شود ولی شکل سازمانی آن با توجه به هدفهای کلی و مسائلی که برای نظامهای مالی دولتی و خصوصی مطرح و متصور است طراحی گردد.

دیگر از خصوصیات الگوی پیشنهادی تمام وقت بودن ارکان اصلی آن است. مدت استخدام و یا انتصاب هر یک از این افراد ۵ سال خواهد بود. وظایف این سازمان نیز باید قبلاً توسط افراد ذی‌نفع (بخش دولتی و خصوصی) تعیین شود تا هماهنگی‌های لازم بین دو بخش خصوصی و دولتی رعایت شده و برای همکاری‌های بیشتر بعدی روحیه تفاهم در شروع کار فراهم شود. ایجاد این سازمان به شکل پیشنهادی دارای مزایای زیر می‌باشد:

- ۱- امکان همکاری هر چه بیشتر بخش دولتی و بخش خصوصی
- ۲- مشکلات مالی کمتر
- ۳- کارائی بیشتر به سبب تمام وقت بودن ارکان و انجام امور در زمان کوتاهتر
- ۴- تضمین به استفاده از استعدادهای جدید به سبب فرم استخدامی این سازمان
- ۵- ایجاد ضوابط و استانداردها بر مبنای نیاز افراد ذی‌نفع متکی بر اهداف اقتصادی
- ۶- پشتیبانی بخش دولتی و موجبات قانونی کردن این استانداردها.

خط مشی سازمان

این سازمان باید کلیه نیروهای خود را در سه ناحیه متمرکز کند:

- ۱- ایجاد نظام نوین گزارشگری مالی برای بخش خصوصی و بخش دولتی
- ۲- رسیدگی به مسائل جنبی که در گزارشگری امور دولتی و خصوصی بوجود می‌آید
- ۳- اشاعه نظام نوین آموزشی.

ایجاد نظام نوین

با توجه به اهداف اقتصادی بخشهای خصوصی و دولتی و اهداف گزارشگری مالی نسبت به تدوین ضوابط و استانداردهای لازم اقدام خواهد شد. یکی از هدفهایی که برای گزارشگری اطلاعات مالی در بخش خصوصی قابل تصور است این است که: «اطلاعات مالی باید مربوط به منابع اقتصادی بوده و برای سرمایه‌گذاران و بستانکاران مفید باشد». به همین ترتیب هدف مشابهی برای بخش دولتی متصور است: «اطلاعات مالی باید به ترتیبی فراهم شود که به افرادی که منابع مالی این سازمانها را فراهم می‌سازند کمک نموده و وسائل ارزیابی فعالیتهای این مؤسسات را برای این افراد فراهم نماید».

با توجه به اهداف کلی فوق، سازمان قادر خواهد بود مشخصات کیفی اطلاعات مالی را تعریف کرده و شکل گزارشهای مالی که برای انتقال دادن این اطلاعات مورد نیاز است طراحی نماید. پس از تعیین شکل گزارشها، نحوه شناسائی، اندازه‌گیری و درج وقایع اقتصادی مشخص خواهد شد. هر یک از قدمهایی که در جهت تدوین استانداردها، اصول و ضوابط پیشنهادی برداشته می‌شود باید با توجه به تأمین نظریات کلیه افراد ذی‌نفع بوده و قبل از ارائه نظریه نهائی، پیشنهادات و اظهارنظرهای آنها بررسی و در تعیین متن نهایی از آن پیشنهادات و اظهارنظرها استفاده شود. افراد ذی‌نفع در این نظام جدید شامل صاحبان صنایع، بانکها، حسابداران، تجزیه و تحلیل‌گران مالی، مسئولین دولتی، مدیران مالی دولتی و سایر افراد خواهند بود.

بسیاری از صاحب‌نظران اظهار داشته‌اند که در تدوین نظامهای جدید نباید از الگوهای غربی استفاده شود زیرا ساختار اقتصادی کشورهای توسعه یافته که عموماً غربی هستند با ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه متفاوت است.^{۱۲} مسائل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران کاملاً با مسائل کشورهای صنعتی متفاوت است. از طرف دیگر مسائلی که در شرایط فعلی ایران مورد بررسی است با مقایسه با جوامع پیشرفته صنعتی زیاد بفرنج نبوده و

۱۲- تقوی، مهدی «استانداردهای حسابداری در کشورهای در حال توسعه»، حسابداری،

راه‌حلهای نسبتاً روشنی برای آنها متصور است. برای مثال موضوعاتی مانند «اجاره خرید» (Capital Lease) و یا «تاخت زدن بهره» (Interest Swap) با توجه به ساده بودن نسبی نظامهای مالی کشورهایی مانند ایران حداقل در چند دهه اخیر مطرح نخواهد شد. مسائل اساسی این نوع جوامع در رابطه با اندازه‌گیری درآمد و هزینه‌ها و یا ارزیابی موجودی‌ها و یا شکل ارائه این اطلاعات به تریبی که قابلیت مقایسه را برای استفاده کنندگان فراهم نماید، خواهد بود.

مسائل جنبی

بعلت تغییرات ناحیه‌ای و جهانی، نظامهای اقتصادی نظامهایی پویا هستند. به همین سبب نمی‌توان نظام را به انتظار ایجاد ضوابط و استانداردهای لازم برای اندازه‌گیری وقایع مالی به حال سکون درآورد. لذا مسائل موجود دستگاه‌های دولتی و خصوصی که در رابطه با گزارشگری مالی مطرح می‌شود باید مورد رده‌بندی قرار گیرد. پس از رده‌بندی برای مسائل حاد راه‌حلهای فوری ارائه شود. این راه‌حلهای موقتی هستند، باید در چارچوب اهدافی که برای صورتحسابهای مالی تعریف شده ارائه شوند. هماهنگی بین مسئولین گروه مسائل جنبی با گروه اول که مسئول تدوین اصول جامع می‌باشد یک امر ضروری بشمار می‌رود.

اشاعه نظام نوین

رشته‌های بازرگانی بخصوص حسابداری که به عنوان «زبان بازرگانی» شناخته می‌شود با مشکل عدم تخصیص منابع مالی درگیر هستند. علاوه بر این پیشرفتهایی که در زمینه مدیریت علمی، علوم ارتباطی و دانش کامپیوتر بدست آمده باعث گردیده که وجود حسابداری را به عنوان یک عامل مربوط (Relevant) همواره مورد سؤال قرار دهد.

این نارسائی‌ها در کشورهای پیشرفته سبب شده که همبستگی شدیدی بین حرفه حسابداری و بخش علمی بوجود آمده و استراتژی‌هایی به منظور رفع این نقائص مطرح شود. برای مثال یکی از کمیته‌هایی که در آمریکا مسئول بررسی این مسائل بوده در مورد نقش حسابداری و تغییراتی که برای آن پیش‌بینی می‌شود اظهار می‌دارد:

«تغییرات فعلی فقط شامل حسابداری به تریبی که در گذشته ارائه می‌شود نخواهد بود. حسابداران بخش دولتی، صنعت و حرفه چنان خدماتی را انجام می‌دهند که دامنه آن از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات تا نصب و راه‌اندازی نظام‌های کامپیوتری و پیاده کردن برنامه‌ریزی استراتژیکی گسترش پیدا کرده است. دانش و تجربه‌ای که به منظور ارائه این خدمات لازم است به مراتب با دانش حرفه‌ای که برای حسابرسی مالی صورتهای مالی نیاز بوده متفاوت است. دامنه استانداردها، مقررات و نظریه‌های حسابداری چه از نظر تعداد و چه از نظر پیچیدگی افزایش پیدا کرده‌اند زیرا که از حسابداران خواسته شده است که اطلاعات لازم را برای منظورهای متفاوت تهیه نمایند... در نتیجه سؤالی که مطرح است: حرفه حسابداری چیست؟ چه خواهد بود؟ و چه باید بشود؟^{۱۳}

این عوامل همه ناشی از تغییراتی است که در چند دهه اخیر در رابطه با وظایفی که برای حسابداران متصور بوده ایجاد شده است. شروع این تغییرات در دهه ۱۹۶۰ بود که از حسابداران خواسته شد که نقش خود را در تصمیم‌گیری‌های مدیریت افزایش دهند. نیاز مدیریت به اطلاعاتی در زمینه «بهای تمام شده» و مسائل جنبی آن، سبب شد که از حسابداران خواسته شود که به عنوان متولیان اطلاعات حسابداری این نیازها را برآورده سازند. چون حسابداران قادر نبودند این اطلاعات را با سرعت فراهم نمایند، مدیران شرکتهای چندملیتی یک وظیفه جدید بین راه خود و حسابداران مالی ایجاد کردند که امروزه به عنوان «حسابداری مدیریت» شناخته می‌شود.

بالا رفتن سطح رقابت و افزایش هزینه‌ها همراه با پیشرفتهائی که در زمینه پردازش اطلاعات و تکنولوژی کامپیوتری در سنوات ۱۹۷۰ بوجود آمده، تغییر اساسی در نقش حسابداران ایجاد نمود. در این زمان حسابداران به عنوان یک عضو تیم مدیریت شناخته شدند. در این موقعیت جدید لازم بود که حسابداران به کسب مهارتهائی مانند ارائه اطلاعات به شکل قابل استفاده برای مدیریت، کسب علوم رفتاری، طرز کار با نظام‌های کامپیوتری و

13- "Report on Future of Accounting Education: Preparing for Expanding Profession",

بیان کردن اطلاعات حسابداری از نقطه نظر فعالیتهای بازرگانی بیردازند.

در دهه ۱۹۸۰ حسابداران با مسائل جدیدی روبرو شدند که ناشی از گسترش بخش خدمات و تکنولوژی انفورماتیک بوده است. لذا حسابداران فردا باید از آموزش در جوانب غیر فنی برخوردار باشند. این به سهم خود باعث می شود که حسابداران نیاز به تحصیلات عالی بیش از حد متعارف ۴ سال داشته باشند. از جمله انتظاراتی که برای حسابداران متصور است، بررسی مسائل بطور انتقادی و برخورداری از موهبت «خودآموزی» می باشد که به نوبه خود سبب خواهد شد که روشهای آموزشی قدیمی مورد سؤال قرار گرفته و در جریان دگرگونی قرار گیرد.

در رابطه با مسائل ایران، ایجاد نظام نوین به خودی خود باعث بهبود نظام اقتصادی نخواهد شد. لذا لازم است که اصول و ضوابط ارائه شده از طریق همکاری نزدیک بین نظام آموزشی کشور به افراد ذی علاقه انتقال یابد. با توجه به انتظاراتی که از حسابداران فردا متصور است، نقش مؤسسات آموزش عالی سرنوشت ساز می باشد. لذا باید شرایطی فراهم شود که حسابداران تربیت شده بوسیله سیستم آموزشی پاسخگوی نیازهای فعلی و آتی مملکت باشند.

از آنجاکه خاتمه تحصیلات دانشگاهی در شرایطی که دانش و تکنولوژی به سرعت تغییر می کند خاتمه تحصیلات به حساب نیامده و در حقیقت شروع فراگیری برای یک فرد می باشد، لازم است که نظام آموزشی کشور شرایط بازآموزی افرادی که در گذشته تعلیم دیده اند را نیز فراهم نماید.

در زمان حاضر بسیاری از سازمانهای حرفه ای غربی اعضاء خود را ملزم به گذراندن دوره های بازآموزی مختلف کرده و در صورتی که اعضاء شرایط خود را با مقررات وضع شده تطبیق ندهند به عضویت آنها در این سازمانها خاتمه داده خواهد شد. در این زمینه لازم است که از حسابداران شاغل ایرانی خواسته شود که در بالابردن سطح دانش فنی خود از امکانات آموزشی استفاده کرده و نسبت به افزایش سطح دانش خود همت بگمارند.

خلاصه

از جمله پیامدهای توسعه اقتصادی افزایش ظرفیت تولیدی در جامعه و ارتقاء سطح

زندگی و ترویج تجارت و فرهنگ بین جوامع مختلف می‌باشد. از طرف دیگر فقدان نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز، عدم ثبات سیاسی و نداشتن نظام‌های کارآمد مدیریت و حسابداری به عنوان ابزار کار باعث از هم پاشیدگی و یا توقف توسعه اقتصادی می‌شود. با اینکه از نظر تاریخی حسابداران همواره یکی از فراهم کنندگان اطلاعات برای مدیریت بوده‌اند، نقش آنها در اقتصاد ایران به طریقی که در اقتصادهای پیشرفته مطرح می‌باشد تجلی نکرده است. دلایل بسیاری برای عقب افتادگی حرفه حسابداری در ایران ذکر گردیده است. از جمله عدم وجود استانداردها و ضوابط حسابداری و گزارشگری اطلاعات مالی می‌باشد. به نظر می‌رسد که با توجه به ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران، سازمان مستقلی که با کمک بخشهای دولتی و خصوصی ایجاد شده باشد، می‌تواند نسبت به حل مسائل حسابداری در ایران اقدام نماید. از جمله وظایفی که برای این سازمان پیش‌بینی شده، تدوین استانداردها و ضوابط حسابداری و حسابرسی، راه‌های موقت برای مسائل جاری و از همه مهمتر، گسترش این ضوابط و استانداردها از طریق نظام آموزشی کشور می‌باشد.

منابع:

- ۱- تقوی، مهدی، «استانداردهای حسابداری در کشورهای در حال توسعه»، حسابدار، شماره ۱، آذر ۱۳۶۳، صص ۳۱-۱۸.
- ۲- شلیله، محمد، «حسابداری استانداردهای ملی و توسعه اقتصادی»، حسابدار، شماره نهم و دهم - مرداد و شهریور ۱۳۶۹، صص ۸۸-۷۴.
- ۳- فخاریان، ابوالقاسم، «نگاهی به سیستم اطلاعاتی حسابداری: مدیران و حسابداران»، تدبیر، اردیبهشت ۱۳۷۱، صص ۲۶-۲۵.
- 4- Ali, M. Shaukat, "Contribution of Education Toward Labor Productivity: A Cross-Country Study", *Pakistan Economic and Social Review*, Vol. xxIII, Summer 1985, PP. 41-54.
- 5- Leitch, Robert A., K. Roscoe Daris, *Accounting Information Systems*, Second Edition, (Printice-Hall, Inc, NewYork), 1992.

6- "Report of the Committee on Accounting and Information System: The Accounting Review Supplement, PP. 279-290.

7- "Report on Future of Accounting Education: Preparing for the Expanding Profession", **Issues in Accounting Education**, Spring, 1986.

8- Reynolds, Lloyd G. Stanly H. Masters, and Collets H. Moser, **Economics of Labor**, (Printice-Hall, Inc. NewYork) 1987.

9- Smith, Adam, **The Wealth of Nations**, 1776.

